

موضوع انشاء را چگونه در کلاس درس باید

وقتی افراد را در کاری که مربوط به خود آنها است شرکت بدهیم و نظرشان را بخواهیم وابستگی خود را بکار بهتر احساس می کنند. در کار خویش می اندیشند. رغبت و علاقه آنان برانگیخته میشود. و رغبت داشتن محرک فعالیت است. و یادگیری در اثر فعالیت حاصل می شود. وقتی شاگرد اظهار نظر نماید احساس شخصیت می کند. و این احساس باعث اعتماد بنفس میشود. داشتن اطمینان بخود کار را اساسی تر و منطقی تر میکند. اگر شاگرد ضمن حل مساله، طراح مساله نیز باشد بهتر وجود مساله را ادراک می نماید.

موقعیکه ۴ شاگرد در کلاسی حاضراند. لازم نیست حتماً ۴۰ موضوع بدهند. همینکه بعضی از آنان با اختیار، یا با اشاره معلم موضوعاتی گفتند کفایت می کند. ضمن تعیین موضوعات معلم میتواند افکار شاگردان را اصلاح کند و از خود نیز موضوعاتی بدهد. در بعضی جلسات انشاء ممکن است خود معلم یک موضوع تعیین کند، و همه را ملزم به نوشتن نماید. و این تصمیم و قاطعیت نیز در جای خود حائز اثرات تربیتی و آموزشی است زیرا همانطور که آزادی باعث پرورش استعدادات است پیروی و اطاعت از یک شخص با تجربه و بی غرض هم از جمله خصائص تربیت شدگان می باشد. اغلب به ذهن معلم موضوعاتی میرسد که کمتر به ذهن شاگردان خطور میکند. و عکس آن نیز صادق است.

معمولاً شاگردان در سنین مختلف بر حسب رشد جسمی و عاطفی و فکری تمایلات گوناگونی پیدا می کنند و این عوامل در موضوعاتی که برای انشاء پیشنهاد می کنند اثر می گذارد.

نوشتن انشاء در کلاس درس

نوشتن انشاء در کلاس مخصوصاً برای شاگردان دبستان ضرورت دارد. زیرا وقتی معلم اجازه نوشتن انشاء داد، شاگرد در کلاس

روش تدریس انشاء



موظف است کار کند. و شخصا " می‌اندیشد و می‌نویسد. چون همه دوستانش همزمان مبادرت به نوشتن کرده‌اند احساس می‌کند کاری است ممکن و ساده و یا حداقل احساس می‌کند که اونیز نایبستی از دیگران عقب بماند.

درخانه معمولا " شاگردان اگر بتوانند برای نوشتن انشاء از اولیاء کمک می‌گیرند. اما در کلاس به این امید چشم نمی‌دوزند بعضی معلمان انشاء مخصوصا " آموزگاران دبستان ممکن است تصور کنند که اگر موضوع انشاء را در کلاس درس در حضور شاگردان تعیین کنند و شاگردان در همانحال که در کلاس‌اند شروع به نوشتن کنند وقت آنان تلف میشود! عکس این تصور آنستکه اگر شاگردان انشاء را بعنوان تکلیف و بلکه تکلیف شب در خانه‌شان بنویسند کار صحیح و مفیدتری انجام داده‌اند با این تصور کلاس جای خواندن انشاهائی است که شاگردان شب قبل در خانه نوشته‌اند.

اگر چند خاطره را معلم انشاء بخاطر آورد ، در تصور فوق تجدید نظر می‌کند.

اول اینکه بخاطر آورد وقتی خودش در دبستان درس می‌خواند و معلم برای انشاء موضوع و تکلیف معلوم می‌کرد چقدر علاقه بنوشتن داشت؟ و سرعت نوشتنش چه قدر بود؟ دوم اینکه وقتی در کلاس درس در ساعت انشاء شاگردان یکی یکی می‌آمدند و انشاء خود را می‌خواندند چقدر گوش میداد؟ سوم اینکه اگر گوش میداد تا چه حد در قدرتمند کردن او به نوشتن تاءثیر داشت؟ چهارم اینکه زبان شاگردی در دبستان در موضوعی که معلم برای انشاء معلوم میکرد چقدر علم ، تجربه و

اطلاعات داشت؟ پنجم اینکه اگر در زمان تحصیل در دبستان معلم وی گاهگاهی به بچه‌ها می‌گفت در همین کلاس که نشسته‌اند درباره این مطلب انشاء بنویسید چه مانعی یا ضرری می‌داشت؟

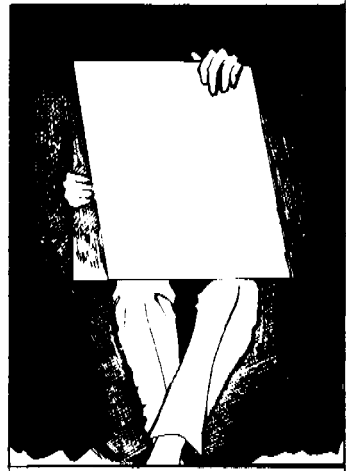
نوشتن انشاء در کلاس درس (اختصاصا " در دبستان) از چند لحاظ روشی مفید و فعالیتی آموزنده است .

یکی اینکه شاگرد در محضر معلم ملزم بنوشتن است زیرا به کلاس آمده که در این فرصت طبق برنامه یکساعت در باره انشاء چیزی بیاموزد و خواه ناخواه خود را متقاعد کرده در حالیکه در خانه اینطور نیست و در آنجا نیروئی الزام کننده از بیرون یا از درون چندان بر او حاکم نیست .

دوم اینکه در یک مجمعی از همسالان که همه یک کار انجام میدهند یعنی همه قلم بر میدارند تا انشاء بنویسند این فرد نیز هماهنگی و هم داستانی می‌کند و کاری به نسبت دلپذیر است .

هر گاه در کلاس معلم در باره انشاء توضیحی بدهد چون شاگرد در همان زمان مشغول نوشتن خواهد شد تذکرات را بکار می‌بندد. اگر موضوع را قبلا " نمیتوانست بیرواند از گفتار معلم یا توضیحات شاگردان الهام می‌گیرد و با فکر خود می‌آمیزد و شنیده‌ها را با بیان و قلم خود بروی کاغذ می‌آورد . چون در کلاس مدت برای نوشتن معین و محدود است ، شاگرد می‌کوشد که حواس خود را متمرکز کند و موجبات حواس پرتی را دور سازد و اقدام بنوشتن بنماید و به کمیت و کیفیت انشاء خود بیفزاید . و به اجزاء وقت ارزش قائل باشد . اینگونه تمرین از لحاظ رعایت وقت و استفاده از وقت و درک

ارزش وقت و برنامه‌ریزی در زندگی سودمند واقع
میشود، و حائز آثار پرورشی با ارزشی است .



برای یک جلسه درس انشاء میتوان موضوعات
متعدد و مختلف معلوم نمود.

برای اداره یکساعت درس انشاء در کلاس ،
معلم میتواند دو و سه و یا بیشتر ، موضوع
معلوم کند . معلم میتواند بشاگردان بگوید هر
کدام به میل و انتخاب خود در باره یکی از
چند موضوع انشاء بنویسند . و مدت معینی نیز
وقت تعیین کند . در این روش تنوعی در کار
است . هر شاگرد در حد معینی آزاد است و
مطابق ذوق و تجربه و اطلاعات قلبی خویش یک
موضوع را در نظر می‌گیرد . اگر انشاء فی
المجلس در کلاس نوشته شود ، و وقت کمتر از
۳۰ دقیقه معلوم شده باشد بعضی از شاگردان را
میتوان صدا زد تا در جلو کلاس نوشته خود را
بخوانند . در اینصورت بقیه شاگردان که
شنونده هستند توضیحاتی در باره چند موضوع
خواهند شنید و برای آنان نیز تنوعی است و

بهبتر گوش میدهند . این ترتیب کار مشکلی
بیش نخواهد آورد زیرا الزامی در کار نیست که
تمام شاگردان کلاس یکیک در همان جلسه
حتما " انشاء خود را بخوانند . میتوان خواندن
را به ساعات دیگر یا به موضوعات دیگر موکول
نمود . پراکندگی حواس نیز در معلم و برای
شاگردان بوجود نمی‌آید . زیرا همانطور که در
برنامه ساعت جغرافیا و در متن کتاب فارسی و
علوم شاگردان با موضوعات مختلفی روبرو
میشوند ، این تنوع در یکساعت درس انشاء هم
می‌تواند باشد و ظرف مدت نیمساعت شاگردان
می‌توانند به دلخواه راجع به یکی از دو موضوع
تعیین شده انشاء بنویسند . بطوریکه هیچگونه
آشفتگی در ذهن و در ادراک شاگردان و یا نظم
کار معلم و شاگردان بوجود نیاید . بلکه در
آموزش گاهی برای بهتر شدن کار و بالا بردن
راندمان یادگیری شاگردان در زمان محدود لازم
است عمدا " تنوع ایجاد کرد . موضوعات متنوع
ممکن است همه بیک اصل برگردند مثلا " همه
مباحثی از تعلیمات اجتماعی باشند . یا
موضوعات ذوقی و احساسی باشند . یا اینکه
اصلا " مربوط بهم نباشند . مثلا " در مورد شعر
صنعت ، پیشه ، دین ، بهداشت تعیین کردند

در یک ساعت هم ممکن است انشاء نوشته شود .

وقتی که پیشنهاد میشود برخی از ساعات
انشاء شاگردان در کلاس درس ، انشاء بنویسند
عده‌ای آموزگاران تصور می‌کنند که فرصت ، کافی
نیست و می‌پرسند چگونه ممکن است که در یک ،
جلسه در کلاس هم موضوع تعیین گردد ، و هم
معلم یا شاگردان توضیح بدهند ، و نیز
شاگردان بنویسند و سپس بخوانند؟ اولاً " لازم
نیست که معلم برای هر انشائی توضیحات مفصل

بدهند نامی در سه دقیقه هم میتوان در باره
موضوعی شرح داد . دوم اینکه لازم نیست صد
در صد شاگردان انشاء را در همان جلسه



هنگام در خانه انشاء می نویسند چندان
وقت زیادی صرف نمی کنند و معمولاً کمتر از ۳۰
دقیقه است . علت این امر چند چیز است یکی
اینکه حوصله شاگردان کم است و مدتی که
میتوانند روی یک موضوع وقت کنند کوتاه است و
در کلاس اول و دوم از ده یا ۱۲ دقیقه تجاوز
نمیکند . عامل دیگر اینستکه شاگردان معلومات
کافی و منظمی در باره موضوعات ندارند . یا
اگر دانشی دارند نمیتوانند نظامی بدهند و در
ذهن خود مقدماتی ترتیب دهند و به نتایجی
برسند . گاهی کلمات یا جملاتی به ذهنشان
می آید ولی طرز نوشتن آنها را نمیدانند و
مطمئن نیستند بنابراین هنگام نوشتن متحیر
می مانند و خستگی عارض آنها میشود و از
نوشتن دست برمیدارند . . . هر کمیتی از کار را
میتوان کامل پنداشت یا ناقص دانست .
بروراندن یک موضوع انشائی را نیز در شرایط
مختلف و با در نظر گرفتن شاگردان در سنین
مختلف میتوان ناقص تلقی کرد و یا بر اثر کمی
وقت و کمی تجربه نوشته شاگردان را کامل
پنداشت بنابراین در ربع ساعت میتوان انشاء
نوشت اما از لحاظ کمیت و کیفیت به اندازه ربع
ساعت میتوان نوشت . در سنجش ارزش یک چیز
یا امر اگر آنرا با درجات عالیتر بسنجیم ناقص
می نماید و اگر با درجات پائین تر بسنجیم نیکو
جلوه می کند . ولی در سنجشهای معتبرتر و
علمی تر با ملاکهای ثابت و استاندارد می سنجیم
در مورد ارزشیابی از انشائی که در ربع ساعت
نوشته شده آنرا با حد متوسط سایر انشائاتی که
شاگردان هم کلاس در ربع ساعت نوشته اند
می سنجیم .



بخوانند . و طبق روش دیرین و متداول نمره
داده شود و در دفتر حضور و غیاب ثبت شود .
دیگر اینکه عده زیادی از شاگردان تا کلاس
چهارم بیشتر از ربع ساعت مطالبی ندارند که
بنویسند . همینکه شاگرد ربع ساعت و گاهی ده
دقیقه قلم بدست گرفت و در باره موضوع مورد
نظر روی کاغذ مطالبی نوشت دفعتاً " از نوشتن
باز می ایستد و قلم و کاغذ را رها می کند و این
مطلب با یک تجربه ساده در دبستانها به اثبات
می رسد . حتی موقعی که شاگردان دبستانی